

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/11/23

موضوع: ارتداد صحابه بعد از رحلت پیغمبر، عقیده شیعه یا عقیده اهل سنت!؟

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

چرا صحابه و خلفای بعد از پیامبر، به این آیه قرآن عمل نکردند!؟

ان شاءالله بزودی درباره فرقه «احمد الحسن» بشارت خوبی خواهیم داشت!

ارتداد صحابه بعد از رحلت پیغمبر، عقیده شیعه یا عقیده اهل سنت!؟

در جنگ جمل و صفین چه مقدار از صحابه در کنار امیرالمؤمنین بودند!؟

رابطه این تعداد صحابه با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خوب و حسنه بود!

رابطه حسنه صحابه با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از نگاه «ابن تیمیه»!

تماس بینندگان برنامه

اشاره اجمالی به حدیث «رد الشمس» در منابع اهل سنت!

مراد از دو همسر پیامبر در آیه 5 سوره تحریم چه کسانی هستند!؟

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر».

همچنین عرض تبریک به مناسبت اینکه در آستانه ورود به ماه رجب هستیم، ماه «طوبی للذاکرین» و «طوبی للطائعین». ان شاءالله اعمال و رفتارمان طوری باشد که خودمان این سرمایه گذاری را انجام بدهیم تا بتوانیم از نهر رجب سیراب شویم.

تشکر می‌کنم از همه شما عزیزان که به روال شب‌های جمعه دیدگان مهربانان را به برنامه «حبل المتین» سپردید. برنامه‌ای که این افتخار را داریم تا از محضر حضرت استاد آیت الله دکتر حسینی قزوینی بهره مند شویم. سلام علیکم و رحمة الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این کره خاکی ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و موفقیت بیش از پیش برای همه عزیزان و گرامیان آرزو می‌کنم.

از خداوند عالم می‌خواهم ایام رجب را بر همه مسلمانان به ویژه بینندگان عزیز مبارک گرداند و توفیق عمل به رسیدن به آن فضائل بزرگ را به همگان کرم کند.

چرا صحابه و خلفای بعد از پیامبر، به این آیه قرآن عمل نکردند!؟

ما طبق روال همیشه برای اینکه برنامه خودمان، شبکه، زندگی، دین و دنیا و آخرت و بینندگان عزیز را بیمه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) کنیم، یادی از حضرت صدیقه طاهره داشته باشیم. خداوند عالم در قرآن کریم از قول حضرت نوح می‌فرماید:

(وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ)

من هیچ مزدی در برابر این دعوت از شما نمی‌خواهم، اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است.

سوره شعراء (26): آیه 109

همچنین از قول حضرت هود، حضرت صالح، حضرت لوط و حضرت شعیب همین تعبیر نقل شده است و همگان همین تعبیر را دارند. ما اجر رسالتی از شما نمی‌خواهیم، اجر ما با خداوند عالم است. در مقابل وقتی نوبت به نبی گرامی اسلام می‌رسد، در سوره مبارکه شوری آیه 23 می‌فرماید:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)

بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

سوره شوری (42): آیه 23

رسول گرامی اسلام در این آیه شریفه می‌فرماید که پاداش رسالتم را محبت خویشاوندانم قرار داده‌ام. (الْقُرْبَى) چه کسانی هستند؟! در کتاب «فضائل الصحابة» اثر «احمد بن حنبل» جلد دوم وارد شده است که وقتی آیه شریفه:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)

نازل می‌شود؛

«قالوا يا رسول الله من قرابتنا هؤلاء الذين وجبت علينا مودتهم»

صحابه عرضه داشتند: یا رسول الله! قربی که مودت آن بر همگان واجب شده است، چه کسانی هستند؟

«قال علی و فاطمة و ابناها علیهم السلام»

حضرت فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندشان.

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت
- 1403 - 1983، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج 2، ص 669، ح 1141

در کتب متعدد دیگر هم نقل شده است که مردم در شام به حضرت سجاد طعنه میزدند و شماتت می کردند. پیرمردی آمد و گفت: خدا را شکر که شما را کشت و مستأصل کرد و فتنه خوابید.

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: آیا قرآن خوانده‌ای؟ او گفت: بله. حضرت فرمود که آیا تا به حال آیه شریفه: **﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾** را خوانده‌ای؟! او گفت: بله. آیا این شما هستید؟! حضرت فرمود: بله، ما هستیم.

رسول گرامی اسلام پاداش رسالتش را مودت قربی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) و فرزندان آن بزرگوار بود، قرار داد.

اگر رسول اکرم فرموده بودند: **«قل لا اسئلكم عليه أجرا إلا العداوة في القربى»**، آیا بیش از این می توانستند کاری کنند؟!

آیا ظلم‌هایی که بر حضرت صدیقه طاهره کردند، آتش زدن خانه امیرالمؤمنین، شکستن پهلوئی حضرت فاطمه زهرا، شهادت حضرت محسن، ظلم‌هایی که در حق امیرالمؤمنین صورت گرفت، شهادت امام حسن و شهادت امام حسین، (المَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى) بود؟!

مشاهده کنید بنی امیه با حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) چکار کردند که با حالت غضب از حاکمان زمان چشم از جهان فروبست! شاعر در زبانهال حضرت فاطمه زهرا می‌گوید:

گرفتم در میان کوچه پاداش رسالت را

چه پاداش گرانقدری، چه بازوبند نیکویی

آنچنان با محکم با تازیانه زدند که بازوی حضرت فاطمه زهرا همانند یک دستبند سیاه یک دست سیاه شد. شاعر دیگری می‌گوید:

بر روی قبر من بنویسید دوستان

سیلی زدن مودت زهرا نمی‌شود

بر باب خانه‌ام بنویسید رهبری

مثل امام فاطمه تنها نمی‌شود

شرمنده‌ام ز شوهر مظلوم خود علی

دست شکسته حامی مولا نمی‌شود

حق بردن و سیلی زدن و سینه شکستن

مزد زحمات شب و روز پدرم بود

خدا را به قلب شکسته حضرت صدیقه طاهره و اشک چشمان فرزندان حضرت فاطمه زهرا و قلب سوخته امیرالمؤمنین که روزهای سختی را با فرزندانش سپری می‌کند، سوگند می‌دهیم فرج مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم را نزدیک کند و ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و مطیعان اوامر آن بزرگواران قرار بدهد، ان شاءالله.

مجری:

ان شاءالله، الهی آمین. خیلی زیبا فرمودید. الحمدلله به فضل این مقدمه‌ها این افتخار را داریم در شب‌های جمعه و در محل استجابت دعا این دعاها را انجام بدهیم. قطعاً این دعاها به استجابت خواهند رسید.

بنده از بینندگان عزیز هم تشکر می‌کنم. همانطور که بسیاری از شما منتظر هستید، هفته پیش در همین لحظات اتفاقی افتاد. نامه‌ای که در مقابل چشم همه شما ارسال شد، یک هفته فرصت داشت.

عزیزانی که در جریان هستند، الآن دارند برنامه را مشاهده می‌کنند و منتظر هستند تا ببینند چه اتفاقی افتاده است. در طرف مقابل ما این سؤال را خیلی مختصر از حضرت استاد مطرح خواهیم کرد، طوری که شما عزیزان هم در جریان قرار بگیرید.

وضعیت به این صورت بود که در هفته گذشته دعوت نامه‌ای به مکتب نجف و مدعی یمانی موعود و مهدی اول از مهدیین دوم ارسال شد و ایشان به یک مناظره رسمی دعوت شد. ایشان یک هفته فرصت داشت تا به این نامه پاسخ بدهد.

جزئیات نامه را از حضرت استاد جویا می‌شویم تا ببینیم این افراد پاسخی دادند یا خیر؟! در خدمت شما هستیم.

ان شاءالله بزودی درباره فرقه «احمد الحسن» بشارت خوبی خواهیم داشت!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة
على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء
الله أفض أمری إلى الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر یا أبا صالح
المهدی ادرکنی

همانطور که عزیزان مستحضر هستند، «احمد الحسن» در سال 1426 نامه‌ای تحت عنوان «رسالة إلى
السید القائد و عدد من العلماء» نوشت. در متن نامه آمده است:

"نشر أحمد إسماعیل رسالة مفتوحة إلى السید القائد الخامنئی مد ظله (یأمره) فیها بأن یؤمن به و
یسلمه حکم ایران، لأنه رسول المهدی!

أما بعد إلى السید علی الخامنئی السلام علیکم و رحمة الله و برکاته...

إلى السید القزوینی فی ایران السلام علیکم و رحمة الله و برکاته..."

ما حدود پنج سال قبل ده دقیقه صحبت کردیم و از ایشان برای مناظره و مباحله دعوت کردیم، اما جواب
ندادند.

این افراد در سایت‌هایشان مرتب می‌نوشتند که چرا آیت الله قزوینی به مکتب نجف نامه نمی‌نویسد و در
کانال‌ها و گروه‌ها و سایت‌هایشان سروصدا به راه انداختند.

ما هفته گذشته دیدیم اگر جواب ندهیم، شاید این افراد تصور کنند که ما از موضعمان عقب نشینی کردیم. ما
نامه‌ای به زبان فارسی و عربی نوشتیم و جلو چشم بینندگان عزیز به مکتب نجف ایمیل کردیم.

ما بعد از ارسال نامه یک هفته مهلت دادیم و گفتیم که از امشب تا یک هفته مکتب نجف که نماینده رسمی «احمد الحسن» هست، اعلام مناظره کنند. «احمد الحسن» خود درخواست مناظره کرد.

ما بعد از آن مشاهده کردیم که این افراد در کانال‌ها و گروه‌هایشان اعلام می‌کنند که نامه‌ای در کار نبوده است. وقتی نامه در فضای مجازی منتشر شد اعلام کردند که این قزوینی عراقی است، نه قزوینی ایرانی! این در حالی بود که در متن نامه آمده است:

«إلى السيد القزويني في إيران السلام عليكم ورحمة الله وبركاته...»

این افراد خودشان عکس بنده را در سایت‌ها و کانال‌هایشان گذاشته بودند و ادعا کردند که چرا آقای قزوینی به نامه «احمد الحسن» پاسخ نمی‌دهد.

ایشان ادعا کردند که نامه را «احمد الحسن» نوشته است، بلکه «ناظم العقيلي» رئیس دفتر نجف نوشته است. دوستان ما جواب دادند که ایشان نماینده رسمی «احمد الحسن» هست و مکتوب نوشته است که دفتر و مکتب نجف حرفشان حرف من هست.

طرفداران ایشان ادعا کردند که قرار نیست «احمد الحسن» بیاید، بلکه قرار است «ناظم العقيلي» بیاید.

ما گفتیم مسئله‌ای نیست. اگر ایشان «ناظم العقيلي» را انتخاب می‌کند، ما هم یکی از دوستان یا شاگردان یا نماینده‌ای را انتخاب می‌کنیم تا با ایشان مناظره کند. نامه ایشان خطاب به بنده هست، نه خطاب به دیگران.

طرفداران ایشان اظهار کردند که آقای قزوینی مرجع نیست، اما سایت‌هایشان نوشتند که فلان شخص نماینده مراجع عظام تقلید است.

بنابراین بعضی افراد رسماً اعلام کردند که اگر تا شب جمعه دفتر نجف جواب ندهد، ما از «احمد الحسن» و آئین و فرقه او اعلام برائت می‌کنیم.

بنده رسماً اعلام می‌کنم که در اینجا هیچ خبری از این آقایان نبوده است و نخواهد بود. این افراد می‌دانند که قضیه شوخی نیست و این تو بمیری از آن تو بمیری ها نیست. اگر این افراد بیایند جز با رسوایی بر نخواهند گشت.

الحق و الانصاف عقیده قلبی بنده این است که حتی «ناظم العقیلی» هم که از این شخص دفاع می‌کند، معتقد به «احمد الحسن» نیست. یک انسان عاقل که یک جو عقل داشته باشد، به دنبال چنین فردی نمی‌رود.

بنده بارها گفتم که توفیق داشتم با بهائی‌ها مناظره داشتم، با کمونیست‌ها مناظره داشتم. ما شبانه روزمان را با وهابیت‌ها و اهل سنت گذراندیم. بنده همچنین با صوفی‌ها و رهبران‌شان و قطب‌هایشان بحث و مناظره داشتم.

بنده به لفظ جلاله والله تالله بالله قسم می‌خورم که در عمرم بی منطق‌تر از فرقه «احمد الحسن» و یمانی ندیدم. والله بنده در عمرم حرفی پوچ‌تر و بی مغزتر از حرف‌های آنها نشنیدم.

اگر کسی ذره‌ای فکر و عقل داشته باشد، به دنبال این افراد نمی‌رود. مگر اینکه فردی بخواهد شهرتی کسب کند.

بعضی از افرادی که ممکن است روانی باشند و نفرین شده پدر بزرگوارشان هم هستند، گاهی اوقات با «بی بی سی» و «صدای آمریکا» یا شبکه‌های وهابی تماس می‌گیرند تا شهرتی کسب کنند.

این شخص اخیراً به جمع طرفداران «احمد الحسن» پیوسته تا شهرتی کسب کند. بعضی افراد عاشق و تشنه شهرت هستند.

بنده با توجه به اطلاعاتی که از مبانی علمی «ناظم العقیلی» دارم و آثار ایشان را دیدم، خیلی مستبعد می‌دانم که ایشان قلباً معتقد باشد. بنده بر این عقیده هستم که ایشان حرفی زده و خجالت می‌کشد که از حرفش برگردد.

عقیده من در مورد افراد دیگر هم همین است. همچنین شخصی که قبلاً در آلمان زندگی می‌کرد و برای بحث و مناظره با دوستان ما به «شبکه جهانی ولایت» آمده بود، در اینستاگرام برای بنده پیغام داده بود که من آماده مناظره هستم.

دوستان ما جواب داده بودند که شما را مکتب نجف معرفی می‌کند یا خیر؟! ایشان در جواب گفته بود که بنده اصلاً مکتب نجف را قبول ندارم و اصلاً آنها را به حساب نمی‌آورم. «اللهم اشغل الظالمین بالظالمین»!!

ما گفتیم ایشان یا خودش زنده هست که البته من خیلی بعید می‌دانم که زنده باشد. عرض کردم در سال 1385 در حمله به نجف توسط نیروی عراقی هم خودش و هم معاونش کشته شدند.

طرفداران او هیچ تصویری از او پخش نمی‌کنند و گاهی یک صوت از او منتشر می‌کنند که اصلاً معلوم نیست صوت چه کسی است. آن‌ها همچنین در فضای مجازی از ایشان پخش می‌کنند.

دوستان عزیز! ما تا همین امشب مترصد بودیم که نامه و جوابی از مکتب نجف بیاید، اما نیامد. ما ان شاءالله به حول قوه الهی شب دوشنبه که برنامه داریم با همراهی دیگر عزیزانمان که چندین سال است در حوزه مبارزه با فرقه نامیمون «احمد الحسن» بحث و مناظره دارند، یک برنامه و بشارت خوبی خدمت بینندگان عزیزمان خواهیم داشت.

بنده بازهم تکرار می‌کنم که از ایشان خواستم برای مناظره بیاید، البته نه در خصوص اینکه ایشان فرزند حضرت ولی عصر و فرستاده حضرت حجة بن الحسن و امام اول از دوازده امام بعد از دوازده مهدی است.

بنده موضوع بحث را ارتداد و کفر ایشان قرار داده‌ام. ما خیلی واضح و روشن با توجه به آثاری که از ایشان و مکتب نجف در دست داریم، گفتیم که معتقدیم حرف‌های ایشان دلیل بر این است که ایشان مرتد و از دین خارج هست!

ما حاضریم در این رابطه با ایشان هم مناظره و هم مباحثه داشته باشیم. بنده نمی‌دانم که باید به چه زبانی بگویم.

خدا را شاکریم که این قضیه برای افراد بسیاری روشن شد. همچنین برای بعضی از اتباع روشن شد که این افراد تنها بعضی از کسانی که از مبانی دینی بی اطلاع هستند را خواب نما و هیپنوتیزم می‌کنند و به طرف خودشان می‌کشانند.

در مقابل روشن شد که این افراد در میدان عمل پا به فرار می‌گذارند. من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

سلامت باشید، خیلی زیبا فرمودید. الحمدلله عزیزان بیننده جزئیات را متوجه شدند و همانطور که بارها گفتیم خودشان بهترین قاضی هستند و می‌توانند از همین فرارها تشخیص بدهند.

بحمدالله هیچ راه فراری برای این افراد قرار نگرفت و همانطور که بارها گفتیم توپ در میدان این افراد بود، اما این افراد چنین جرئتی نداشتند که چیزی را مطرح کنند.

ان شاءالله مفصل‌تر در جلسه یکشنبه شب در برنامه «حبل المتین» پیگیر ماجرا خواهیم شد. پاسخ ندادن خود نشانه شکست هست. ما منتظر هستیم تا ببینیم حضرت استاد برای یکشنبه شب چه چیزی برای ما آماده می‌کنند.

بالاخره شاید هنوز هم تا هفته گذشته چند ثانیه‌ای فرصت باشد. یکشنبه شب همراه ما باشید تا ببینیم به چه نتیجه‌ای خواهیم رسید.

زان سبب ماه رجب ماه خداست

کان در آن میلاد شاه لافتی است

شد رخس از کعبه ظاهر عقل گفت

چون که صد آمد، نود هم پیش ماست

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». همانطور که مطلع هستید، در برنامه «حبل المتین» جلسه گذشته بحثی را آغاز کردیم.

یکی از سؤالاتی که بسیار مطرح می‌شود و از سابق مطرح می‌شد را از محضر استاد پرسیدیم و جویا شدیم ببینیم ادعایی که وهابیت دارد درست هست یا خیر!؟

سؤال این بود که آیا ادعای علمای وهابیت مبنی بر اینکه حقیقت امر و تاریخ و واقعیت این بود که روابط حسنه‌ای میان تمامی صحابه و اهل بیت برقرار بوده، صحت دارد یا خیر!؟

این چیزی که الآن ابراز می‌شود مبنی بر اینکه این افراد بالاخره اختلافاتی داشتند و صمیمیتی که قبلاً وجود داشت الآن دیگر وجود ندارد، همگی به خاطر حرکتی است که شیعیان و علمای شیعه انجام می‌دهند والا هرچه در تاریخ داریم خلاف ادعای آنهاست.

آن‌ها ادعا می‌کنند که صحابه و اهل بیت با هم روابط صمیمانه داشتند و هیچ مشکلی بینشان نبوده است.

در جلسه گذشته در اثبات چنین صحبتی و این که بالاخره شیعیان هستند که خودشان آتش اختلافات را برمی‌افروزند، حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی بیاناتی داشتند اما متأسفانه انتهای وقت بود و کامل نشد.

تقاضا می‌کنم اگر امکان آن وجود دارد، این مطالب را تکمیل بفرمایید تا بیشتر قابل استفاده باشد.

ارتداد صحابه بعد از رحلت پیغمبر، عقیده شیعه یا عقیده اهل سنت!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

همانطور که حضرتعالی هم اشاره داشتید، این افراد مفصل در رسانه‌ها مطرح می‌کنند که روابط بین صحابه و اهلبیت رابطه‌ای حسنه بوده است. شیعیان از خود مطالبی نقل می‌کنند و آنها را در کتاب‌هایشان آورده‌اند. ما هفته گذشته رساله‌ای که در قاهره چاپ شده بود، به آقایان نشان دادیم که نام آن «توثیق السنة بین الشيعة الإمامية و أهل السنة» بود.

عزیزان در این کتاب ملاحظه کردند که چند نفر از بزرگان در حد «پروفسور محمد نبیل» و «اسماعیل سالم» و «محمد بلتاجی» و «ابراهیم محمد» همگی «استاد دکتر» یعنی در حد PHD و پروفسور ناظر بودند. ایشان در این کتاب از قول «شیخ مفید» و دیگر علمای شیعه روایتی نقل کرده بود که می‌فرماید:

«ازتدَّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ صِ إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرٍ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ وَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ»

همه مردم بعد از پیغمبر اکرم مرتد شدند، الا سه نفر: مقداد بن أسود و ابوذر غفاری و سلمان فارسی.

الإختصاص، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنیدی، محمود، ص 6، باب طائفة من أقوال الأئمة ع

این ادعا «اول قارورة كسرت في الإسلام» نیست که بعد از رسول اکرم همه مرتد شدند، غیر از سه یا چهار نفر. حال سؤال اینجاست که آیا به هر روایتی می‌توان اعتماد کرد یا خیر؟! آیا روایات را بررسی سندی کردید یا خیر؟! آیا عقیده شیعه و واقعیت تاریخ این هست یا خیر!؟

بنده در اینجا دو نکته را خدمت بینندگان عزیز عرض می‌کنم. من دیدم در برنامه بعضی از اساتید بزرگوار نظیر «استاد روستایی» بعضی افراد تماس می‌گیرند و ادعا می‌کنند شما در کتاب‌هایتان دارید که بعد از رسول اکرم همه مرتد شدند، غیر از سه چهار نفر!

جواب اول بنده این است که عین این روایت در کتب شما هم آمده است. شما چه جوابی دارید؟! مشاهده کنید در کتاب «سؤالات ابو عبیده آجری از ابو داود سجستانی» صاحب کتاب «سنن» که یکی از صحاح سته هست، روایتی در این خصوص آمده است. در این کتاب حدیث 242 آمده است:

«لما مات النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَفَرَ النَّاسُ إِلَّا خَمْسَةٌ»

زمانی که پیغمبر اکرم از دنیا رفت، تمام مردم جز پنج نفر کافر شدند.

سؤالات أبي عبید الآجری أبا داود السجستاني في الجرح والتعديل؛ المؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ)، المحقق: محمد علي قاسم العمري، الناشر: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، المدينة المنورة، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1403هـ/1983م، ص 212، ح 242

آقای «مزی» در کتاب «تهذیب الکمال» جلد 21 صفحه 557 می نویسد:

«لما مات النبي كفر الناس إلا خمسة»

تهذیب الکمال، اسم المؤلف: یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج المزی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1400 - 1980، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ج 21، ص 557، ح 4333

آقای «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «تهذیب التهذیب» جلد هشتم صفحه 9 می نویسد:

«لما مات النبي كفر الناس إلا خمسة»

تهذیب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1404 - 1984، الطبعة: الأولى، ج 8، ص 9، ح 11

«ذهبی» در کتاب «تاریخ الإسلام» جلد یازدهم صفحه 280 می نویسد:

«لما مات النبي كفر الناس إلا خمسة»

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان
الذهبی، دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان/ بیروت - 1407 هـ - 1987 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د.
عمر عبد السلام تدمری، ج 11، ص 280، باب 4 عمرو بن أبی المقدم ثابت بن هرمز الکوفی

حال چکار کنیم؟! اگر این روایت در کتاب‌های ما آمده است، عین آن در کتاب‌های شما هم آمده است. اگر این واقعیت دارد، شما هم گفتید که تمام مردم کافر شدند غیر از پنج نفر.

حال در کتب ما آمده بعد از رحلت پیغمبر اکرم همه مردم غیر از سه نفر مرتد شدند، اما در کتب شما نقل شده که همه مردم غیر از پنج نفر کافر شدند. شما تنها دو نفر اضافه کردید.

شما این روایات را چطور پاسخ می‌دهید؟! همان پاسخی که شما می‌دهید را ما به خود شما برمی‌گردانیم.

بالاتر از این آقای «ابن کثیر دمشقی» در کتاب «البدایة و النهایة» جلد ششم صفحه 304 از قول عایشه همسر رسول گرامی اسلام می‌نویسد:

«عن عائشة قالت لما قبض رسول الله ارتدت العرب قاطبة»

زمانی که پیغمبر اکرم از دنیا رفت، عرب همگی مرتد شدند.

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -
بیروت، ج 6، ص 304، فصل فی تنفيذ جیش اسامة بن زید

شما چه جوابی دارید؟! همین تعبیر را جناب آقای «نسائی» در کتاب «سنن» خود حدیث 3094 از قول «أنس بن مالک» نقل می‌کند و می‌نویسد:

«لما توفی رسول الله صلى الله عليه و سلم ارتدت العرب»

زمانی که پیغمبر اکرم از دنیا رفت، عرب همگی مرتد شدند.

ایشان در مورد سند روایت می‌نویسد:

«حسن صحیح»

صحیح وضعیف سنن النسائي؛ المؤلف: محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى: 1420هـ)، مصدر الكتاب: برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، ج 7، ص 166، ح 3094

«ابن عطية أندلسي» در کتاب تفسیر «المحرر الوجيز» جلد چهارم صفحه 193 از قول حذیفه نقل می‌کند بعد از رسول خدا نفاق بود و نفاق رفت.

«ولم يبق إلا كفر بعد إيمان»

غير از كفر بعد از ايمان چیزی باقی نمانده است.

المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، اسم المؤلف: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عطية الأندلسي، دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان - 1413 هـ - 1993 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد السلام عبد الشافي محمد، ج 4، ص 193، باب النور: (55) وعد الله الذين... ..

ما از شبکه‌های وهابی یا بعضی از عزیزان اهل سنت که تحت تأثیر این شبکه‌ها قرار گرفته‌اند، سؤال می‌پرسیم.

دو شب پیش یکی از عزیزان از قسمت کردستان زنگ زده بود و می‌گفت شبکه‌های وهابی مطالبی در این خصوص نقل می‌کنند. شما چه جوابی دارید؟! این روایات در کتب شما با سند صحیح نقل شده است، حال آنکه روایت:

«ازتدّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرٍ: الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرِّ الْغِفَارِيِّ وَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 34،

ص 274، ح 1017

یک سند صحیح در کتاب‌های ما ندارد و ما قبلاً هم به همه اینها جواب دادیم. بر فرض اگر این روایات سند صحیح هم داشته باشد، با واقعیت عقاید شیعه سازگار نیست.

به عنوان مثال در کتاب «خصال» اثر «مرحوم شیخ صدوق» جلد 2 صفحه 461 نقل شده است بعد از اینکه ابوبکر در مسند خلافت قرار گرفت، تعدادی به طرفداری از علی بن ابی طالب به مسجد رفتند و علیه ابوبکر سخنرانی کردند.

آن‌ها منکر خلافت ابوبکر و معتقد به امامت امیرالمؤمنین بودند. این افراد هم جزو صحابه امیرالمؤمنین بودند. این افراد دوازده نفر از مهاجرین و انصار بودند.

از میان مهاجرین «خالد بن سعید»، «مقداد»، «أبی بن کعب»، «عمار»، «ابوذر»، «سلمان»، «عبدالله بن مسعود» و «بریده اسلمی» بودند. از میان انصار «خزیمه»، «ذو الشهادتین»، «سهل بن حنیف»، «ابو ایوب انصاری»، «هیثم بن تیهان» و دیگران بودند.

بنابراین این دوازده نفر نه تنها مرتد نشده بودند، بلکه آمده بودند علنی در مسجد سخنرانی کردند و به دفاع از امیرالمؤمنین حدیث غدیر و حدیث منزلت و حدیث خلافت و حدیث وصایت را مطرح کردند.

ان شاءالله اگر فرصتی باشد و خداوند به ما توفیق داد، ما به احتجاجات صحابه بر ولایت و امامت امیرالمؤمنین و استناد اینها به غدیر را برای بینندگان عزیز عرض می‌کنیم.

عزیزان باید ببینند چه تعداد از صحابه در همان آغاز خلافت ابوبکر به مسجد آمدند و بر حقانیت و امامت امیرالمؤمنین استدلال کردند. «ابن تیمیه» هم تصریح داد که بنی هاشم و تعدادی از افراد معتقد به امامت امیرالمؤمنین و متمایل به امیرالمؤمنین بودند.

بنابراین این مطالب با ادعای شما مبنی بر «ازتدّ النَّاسِ بَعْدَ النَّبِيِّ إِلَّا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ» سازگار نیست.

مجری:

بنابراین اولاً از یک طرف سندا و مسلماً مشکل دارد و ثانیاً دلالتاً هم ما کاملاً آن را معارض با مسلمات و متواترات شیعه می دانیم.

در جنگ جمل و صفین چه مقدار از صحابه در کنار امیرالمؤمنین بودند؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده یک عبارتی را از «محمد بن عبدالوهاب» که رهبر و خدای شبکه‌های وهابی است، نقل کنم. در کتاب «مؤلفات شیخ الإمام محمد بن عبدالوهاب» مطلبی در این زمینه نقل شده است.

در مناظره و گفتگویی که ما با «آل شیخ» مفتی اعظم عربستان سعودی داشتیم، ایشان دو کارتن کتاب هدیه دادند. این کتاب یکی از کتبی است که داخل آن کارتن بود.

«قال الشعبي لم يشهد الجمل من الصحابة إلا أربع»

به قول معروف «شعبی» امیرالمؤمنین در حدیث است. ایشان امام است و ما از او موثق‌تر نداریم.

علی رغم اینکه ما «شعبی» را ناصبی می دانیم و نقل شده است در مجلس «حجاج» به امیرالمؤمنین ناسزا می‌گفت و معتقد بود که امیرالمؤمنین حافظ قرآن کریم نبود! حال از قول ایشان نقل می‌کند:

«لم يشهد الجمل من الصحابة إلا أربعة، فإن جاؤوا بخامس فأنا كذاب»

در جنگ جمل چهار نفر از صحابه بیشتر با علی بن ابی طالب نبود، اگر کسی پنجمی را آورد من کذاب هستم.

مسائل لخصها الشيخ محمد بن عبد الوهاب من كلام بن تيمية (مطبوع ضمن مؤلفات الشيخ محمد بن عبد الوهاب، الجزء الثاني عشر)؛ المؤلف: محمد بن عبد الوهاب بن سليمان التميمي النجدي (المتوفى: 1206هـ)، الناشر: جامعة الإمام محمد بن سعود، الرياض، المملكة العربية السعودية؛ ص

170

از این بهتر و واضح‌تر بیان کنیم؟! «محمد بن عبدالوهاب» این مسئله را به عنوان یک مسئله قطعی نقل می‌کند.

حال می‌خواهیم ببینیم چه کسانی با امیرالمؤمنین بودند. ابتدا بنده روایاتی از منابع شیعه می‌آورم. در کتاب «أمالی» اثر «شیخ طوسی» حدیث 1527 می‌گوید:

«شَهِدَ مَعَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَوْمَ الْجَمَلِ ثَمَانُونَ مِنْ أَهْلِ بَدْرٍ، وَ أَلْفٌ وَ خَمْسُ مِائَةٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)»

در جنگ جمل به فرماندهی امیرالمؤمنین هشتاد نفر از اهل بدر و هزار و پانصد نفر از اصحاب پیغمبر اکرم در رکاب امیرالمؤمنین بودند.

الأمالی (للطوسی)؛ نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، تاریخ وفات مؤلف: 460 ق، ناشر: دار الثقافة،

قم، 1414 ق، نوبت چاپ: اول، ص 726، ح 1527

حال «شعبی» ادعا می‌کند که اگر کسی پنجمین نفر را بیاورد، من کذاب هستم!! شاید آقایان ادعا کنند که این مطالب در کتب شماست. در کتاب «تاریخ الإسلام» اثر «ذهبی» جلد سوم صفحه 484 از قول «سعید بن جبیر» نقل شده است که می‌گوید:

«كان مع علي يوم وقعة الجمل ثمانمائة من الأنصار، وأربعمائة ممن شهدوا بيعة الرضوان»

در جنگ هشتصد نفر از صحابه و چهارصد نفر از کسانی که در بیعت رضوان بودند، در رکاب علی بودند.

حال «شعبی» ادعا می‌کند که اگر نفر پنجم را یافتید، من کذاب هستم. قضاوت با بینندگان! بازهم از قول آقای «سدی» که یکی از مفسرین بنام اهل سنت است، نقل شده است:

«شهد مع علي يوم الجمل مائة وثلاثون بدرياً وسبعمائة من أصحاب النبي»

در جنگ جمل صد و سی نفر از بدریین و هفتصد نفر از اصحاب پیغمبر اکرم بودند.

«وقتل بينهما ثلاثون ألفاً»

و سی هزار نفر هم در جنگ جمل کشته شدند.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان

الذهبی، دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان/ بیروت - 1407 هـ - 1987 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د.

عمر عبد السلام تدمری، ج 3، ص 484، باب 5 خلافة علی رضی الله عنه

ما این روایات را چکار کنیم؟! آقای «خلیفه بن خیاط» که یکی از مورخین نامی اهل سنت است، در کتاب «تاریخ» خود می‌نویسد:

«كان مع علي يوم الجمل ثمان مائة من الأنصار وأربع مائة ممن شهد بيعة الرضوان»

در جنگ جمل هشتصد نفر از انصار و چهارصد نفر از کسانی که در بیعت رضوان بودند در رکاب علی بن ابی طالب بودند.

تاریخ خلیفة بن خیاط، اسم المؤلف: خلیفة بن خیاط اللیثی العصفری أبو عمر، دار النشر: دار القلم، مؤسسة الرسالة - دمشق، بیروت - 1397، الطبعة: الثانية، تحقیق: د. أكرم ضياء العمری، ج 1، ص 184، باب تفصیل خبر معركة الجمل وفيها وقعة الجمل

«ثمان مائة من الأنصار» همان تعبیری است که «شیخ طوسی» داشت. حال در خصوص اینکه در جنگ صفین چه تعداد بودند هم نکته‌ای بگویم. در کتاب «مروج الذهب» اثر «مسعودی» جلد اول نقل شده است:

«وكان ممن شهد صفين مع علي من أصحاب بدر سبعة وثمانون رجلاً»

در جنگ صفین از اصحاب بدر هشتاد و هفت نفر با علی بن ابی طالب بودند.

«منهم سبعة عشر من المهاجرين، وسبعون من الأنصار»

از این میان هفده نفر از مهاجرین و هفتاد نفر از انصار بودند.

«وشهد معه من الأنصار ممن بايع تحت الشجرة وهي بيعة الرضوان من المهاجرين والأنصار من أصحاب رسول الله تسعمائة وكان جميع من شهد معه من الصحابة ألفينا وثمانمائة»

مروج الذهب، اسم المؤلف: أبو الحسن علي بن الحسين بن علي المسعودي (المتوفى: 346 هـ)، ج 1، ص 314، باب التقاء الحكمين

طبق این روایت تمامی اصحابی که در صفین با امیرالمؤمنین بودند، دو هزار و هشتصد نفر بودند. حال «شعبی» ادعا می‌کند که چهار نفر از صحابه بیشتر در جنگ جمل نبودند. اگر کسی پنجمی را آورد، من کذاب

هستم!!

مجری:

کذاب خود صیغه مبالغه است. حال نمی‌دانم با این آماری که عرضه شد، بالاتر از صیغه مبالغه چه چیزی به این چنین افرادی نسبت داد.

رابطه این تعداد صحابه با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خوب و حسنه بود!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در کتاب «نهج البلاغه» در خطبه 182 بخش سوم در رابطه با کسانی که در جنگ جمل به شهادت رسیدند، می‌نویسد:

«أَيُّنَ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكَبُوا الطَّرِيقَ وَ مَضَوْا عَلَى الْحَقِّ»

کسانی که به راه راست بودند و بر حق به شهادت رسیدند، کجا هستند؟!

«أَيُّنَ عَمَّارٌ»

عمار کجا کشته شد؟!

«وَ أَيْنَ ابْنُ التَّيْهَانِ وَ أَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَ أَيْنَ نَظْرَاؤُهُمْ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 264، خ

182

مشاهده کنید ما تمام کسانی که در رکاب امیرالمؤمنین حضور پیدا کردند را اهل بهشت می‌دانیم. اگر ابتدا هم نبودند و بعد برگشتند در رکاب حضرت به شهادت رسیدند، اهل بهشت هستند.

دو هزار و هشتصد نفری که در جنگ صفین در رکاب امیرالمؤمنین بودند و بر عقیده خود ماندند، از خداوند عالم برای تمام آنها طلب مغفرت می‌کنیم و بر آنها درود می‌فرستیم و آنها را یاران حضرت امیرالمؤمنین می‌دانیم و میان آنها و حضرت رابطه حسنه بوده است.

البته این افراد غیر از تعدادی از خوارج بودند که از امیرالمؤمنین جدا شدند و ما آنها را کنار می‌گذاریم.

این نه تنها حرفی است که بنده عرض می‌کنم، بلکه عقیده شیعه بر این است. مشاهده کنید از زمان «شیخ طوسی (رضوان الله تعالی علیه)» متوفای 460 هجری تا الآن همه علمای شیعه معتقد هستند.

شیعه هم به تبع از علما و مراجع به افرادی که در ابتدا با امیرالمؤمنین بودند و یا کسانی که ابتدا نبودند و سپس آمدند در معیت و رکاب امیرالمؤمنین جنگیدند را محترم می‌شمارند و بر آنها درود می‌فرستند.

این افراد خواه به شهادت رسیدند که سلام و صلوات خدا بر آنها باد و رضوان خدا بر آنها باد. قطعاً آنها در قیامت صاحبان شفاعت هستند و ما به تعبیر «شیخ طوسی» امید شفاعت از آنها داریم.

همچنین کسانی که بعد از شهادت امیرالمؤمنین بر عقیده خودشان استوار ماندند را جزو مردان شریف می‌دانیم، برای آنها درود می‌فرستیم و از خداوند عالم برای آنها رضوان طلب می‌کنیم و از آنها امید شفاعت داریم.

چرا ادعا می‌کنید که شیعیان معتقدند اصحاب پیغمبر اکرم جز چهار نفر همگی مرتد شدند!!

مجری:

بینندگان مشاهده کردند که در جلسه پیش یک پایان نامه‌ای که به عنوان کارشناسی ارشد بود و پای آن امضای بسیار از اساتید و مفتیان مکتبشان هم وجود داشت، به سادگی تحریفی انجام داد تا القاء کند که شیعیان چنین چیزی را رواج می‌دهند.

ان شاء الله حتماً به این سؤال می‌پردازیم تا ببینیم وهابیت چه دیدگاهی نسبت به رابطه صحابه و امیرالمؤمنین دارند.

رابطه حسنه صحابه با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از نگاه «ابن تیمیه»!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال زیبایی فرمودید. بنده دوست دارم عزیزان به این نکات دقت کنند. نکته اول اینکه بنده ابتدا به سراغ «ابن تیمیه» می‌روم که لیدر و ایدئولیک و رهبر و پیغمبر و خدا و امام وهابی‌هاست.

ما کلیبی از یکی از وهابی‌ها داریم که می‌گوید: «ابن تیمیه» گفته است توسل به قبر پیغمبر اکرم شرک است. اگر پیغمبر اکرم هم از قبر زنده شود و بگوید توسل مشروع است، ما قبول نمی‌کنیم!

وهابی‌ها حرف «ابن تیمیه» را از حرف پیغمبر اکرم هم بالاتر می‌دانند. دوستان عزیز حال که فرمایشات بزرگان را نسبت به صحابه مشاهده کردید، نظر «ابن تیمیه» را هم مشاهده کنید.

در کتاب «منهاج السنة النبویة» یا «منهاج البدعة الأمویة» جلد هفتم صفحه 137 آمده است:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعین كانوا یبغضونه و یسبونہ و یقاتلونہ»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی بن ابی طالب را داشتند و به حضرت ناسزا می‌گفتند و با آن بزرگوار قتال می‌کردند.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج 7، ص 137، فصل قال

الرافضي البرهان الثاني عشر قوله تعالى (إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن ودا)

حال به ما جواب بدهید! ما معتقدیم که بین امیرالمؤمنین و صحابه روابط حسنه نبوده است یا «ابن تیمیه»؟! چه رابطه حسنه‌ای که ایشان می‌فرماید: تعداد زیادی از صحابه بغض علی بن ابی طالب را داشتند و به حضرت ناسزا می‌گفتند و با او قتال می‌کردند!

آقایان چه جوابی دارند بدهند؟! ما در طول این بیست و اندی سال در فضای مجازی و مناظرات این مباحث را مطرح کردیم، اما تا الآن یک جوابی از این افراد نشنیدم.

تنها جوابی که می‌دهند، این است که ادعا می‌کنند فلانی طرفداران ابوبکر و عمر و طرفداران علی بن ابی طالب را با همدیگر مقایسه می‌کند.

ما چکار به مقایسه داریم؟! ما می‌گوییم که «ابن تیمیه» می‌گوید تعداد زیادی از صحابه علی بن ابی طالب را دشمن می‌داشتند و به حضرت ناسزا می‌گفتند!! مگر پیغمبر اکرم نفرمودند:

«من سب علیا فقد سبني ومن سبني فقد سب الله»

هرکسی به علی ناسزا بگوید به من ناسزا گفته است و هرکسی به من ناسزا بگوید به خداوند ناسزا گفته است.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها وتسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج 14، ص 132، ح 1566

نکته دوم این است که در کتاب «منهاج السنة» جلد پنجم آمده که تعبیر ایشان این هست که معلوم است آن دسته از صحابه و تابعین که با علی بن ابی طالب جنگیدند و نستجیر بالله علی را لعنت کردند؛

«هم أعلم وأدین من الذین یتولونه»

هم علمشان و هم دیانتشان بالاتر از کسانی است که معتقد به ولایت علی هستند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج 5، ص 10، الفصل الثاني

در این خصوص جوابی دارید؟! شما از آقایانی که در خطبه‌های نماز جمعه و شبکه‌های وهابی مطالبی مطرح می‌کنند، سؤال کنید که این حرف‌ها چه معنایی دارد.

طبق گفته «ابن تیمیه» دیانت کسی که به امیرالمؤمنین لعنت کند، بیشتر هست. مگر کسی که به امیرالمؤمنین لعنت می‌کند، دین هم دارد تا متدین‌تر از شیعیان حضرت باشد؟!

نکته سوم اینکه بازهم در کتاب «منهاج السنة» جلد هفتم صفحه 147 آمده است:

«و قد علم قدح كثير من الصحابة في علي»

قطعی است که بسیاری از صحابه نسبت به علی بن ابی طالب مذمت می‌کردند و او را فاسق می‌دانستند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- 1406، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج 7، ص 147

آیا این صحابه با امیرالمؤمنین رابطه حسنه داشتند که حضرت را مذمت می‌کردند؟! معنای اولیه «قدح» نستجیر بالله «فاسق» است. نسبت به این مطالب به ما جواب بدهید.

بنده بارها به دوستانمان گفتم که پاسخ درست این است که ما از پاسخ شبهه درست کنیم و توپ را به زمین طرف مقابل بیندازیم. به ما جواب بدهید که آیا واقعاً این چنین است که «ابن تیمیه» می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونه»

این مسائل را به ما جواب بدهید؟! چرا وقتی این مباحث مطرح می‌شود و اگر هم کسی تلفن می‌زند، بلافاصله تلفن او را قطع می‌کنید؟! این مطالب را به ما جواب بدهید تا ببینیم که چه جوابی دارید؟!

حال سؤال اینجاست که آیا ما معتقدیم که میان امیرالمؤمنین و صحابه روابط حسنه‌ای نبوده یا وهابی‌ها چنین عقیده‌ای دارند؟!

امیدوارم ان شاءالله بعضی از افرادی که فریب وهابیت و سلفی‌گری را خورده‌اند، با شنیدن این مباحث قدری روشن شوند و تحقیق و بررسی کنند و ببینند قضیه از چه قرار است.

مجری:

بسیار عالی، خیلی زیبا و خوب بیان فرمودید. ان شاءالله می‌خواهیم رفتار و کلام ائمه اطهار را نسبت به صحابه بشنویم، اما متأسفانه قبل از آن فضا به خاطر کلام «ابن تیمیه» قدری بغض آلود شد.

با هم یک میان برنامه امیرالمؤمنینی می‌بینیم و بعد از آن برگردیم و در خدمت شما هستیم.

یا علی مدد! عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

ان شاءالله سررشته بحث از ذهن حضرات خارج نشود. بحث را در همین جا متوقف می‌کنیم و حتماً در جلسه آینده می‌پردازیم به اینکه نگاه امیرالمؤمنین نسبت به صحابه چه بوده است.

ان شاءالله حتماً این مبحث را از حضرت استاد خواهیم پرسید و شما هم پیگیر همین مسئله باشید. ما باید بدانیم که چه وظیفه‌ای داریم تا این مباحث را پیگیری کنیم.

تماس بینندگان برنامه:

از این لحظه به بعد به سراغ تماس‌های عزیزان بیننده برویم. جناب آقای ناروئی از ایرانشهر پشت خط هستند.

آقای ناروئی در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای ناروئی از ایرانشهر - اهل سنت):

سلام عرض می‌کنم خدمت شما مجری محترم.

مجری:

علیکم السلام.

بیننده:

همچنین سلام عرض می‌کنم خدمت استاد قزوینی.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بیننده:

حاج آقا یکی از کارشناسان شبکه روایتی بیان کردند با این مضمون که در زمانی که پیغمبر اکرم و امام علی در خانه بودند، حضرت نتوانستند نماز عصر را به خوبی به جا بیاورند.

وقتی پیغمبر اکرم این مسئله را فهمیدند، نزدیک غروب بود. حضرت به خورشید دستور دادند که به زمان عصر برگرد تا حضرت علی بتوانند نماز عصر خود را به جا بیاورند. آیا این روایت درست هست؟

مجری:

بسیار خوب، آقای ناروئی از شما تشکر می‌کنیم. بعد از اینکه تماس‌ها تمام شدند، حضرت استاد بررسی این روایت را انجام خواهند داد.

بنده تنها به عنوان تذکر خدمت شما عرض کنم که کارشناسان برنامه چنین روایتی را نقل نکردند و چنین چیزی در شبکه مطرح نشده است.

تماس بعدی جناب آقای حسینی هستند. آقای حسینی در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای حسینی از تهران - شیعه):

سلام عرض می‌کنم محضر استاد حسینی قزوینی و مجری گرامی جناب آقای مرعشی.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

استاد سؤال بنده این است که دو زنی از همسران پیغمبر اکرم که در سوره مبارکه تحریم اینطور مذمت می‌شوند، چه کسانی هستند؟!

آیه پنجم از سوره مبارکه تحریم که می‌فرماید: ای پیغمبر! به آنها بگو که‌ای بسا پیغمبر اکرم شما را طلاق بدهد و بهتر از شما را که مسلمان و خداپرست باشند، بگیرد.

مگر آنها مسلمان نبودند یا خدا پرست نبودند؟! همچنین در آیه دهم از این سوره شریفه آمده است که خداوند متعال می‌فرماید دو زن پیغمبر اکرم که به خاطر خیانت در دین اهل جهنم هستند.

آیا چنین خیانتی برای دو همسر پیغمبر ما هم که مذمت شده‌اند، به اثبات رسیده است یا خیر؟! بنده می‌خواستم استاد در این خصوص توضیح بفرمایند.

مجری:

بسیارخوب، ان شاءالله به سؤال شما خواهیم رسید و پاسخ را از حضرت استاد طلب خواهیم کرد. تماس بعدی جناب آقای حسین زاده هستند. آقای حسین زاده صدای شما را می‌شنویم، بفرمایید:

بیننده (آقای حسین زاده از بردسکن - شیعه):

سلام و عرض ادب خدمت شما دو بزرگوار عزیز و همچنین بینندگان محترم.

مجری:

علیکم السلام.

بیننده:

بنده خدمت یکی از بزرگواران که از شهر کردستان دیشب تماس گرفتند، جواب داشتم. ایشان ادعا می‌کردند که شما چرا مناظره نمی‌کنید. ما زیاد مناظره انجام می‌دهیم.

ایشان همچنین یک مرتبه دیگر هم گفتند که شما باید در شبکه‌های صدا و سیما مناظرات انجام بدهید.

اتفاقاً در شبکه قرآن هم مناظره انجام شد، اما متأسفانه آقای «هاشمی» بودند که این کار را انجام دادند. سؤال دیگر من این بود که می‌خواستم بدانم دین و مذهب شیطان چیست؟

مجری:

بسیارخوب، بنابراین سؤال حضرتعالی راجع به دین و مذهب شیطان شد. ان شاءالله پاسخگو خواهیم بود و تشکر می‌کنیم از این تذکری که نسبت به بحثی که دیشب مطرح شده بود فرمودید.

بنده صرفاً به این مناسبت که آقای حسین زاده بحث مناظره را مطرح کردند، بازهم تأکید می‌کنم که آغوش شبکه برای تمامی مناظره‌گران باز هست و همه بینندگان عزیز هم می‌دانند.

بارها و بارها شبکه‌های وهابی مطرح می‌کنند که شیعیان برای مناظره با ما حاضر نمی‌شوند.

با شرایطی که شما می‌خواهید بگذارید مبنی بر اینکه مناظره فقط باید در اینستاگرام شما انجام شود و فقط باید با موضوع و داوری‌های شما باشد، طبیعتاً هیچ انسان عاقلی قبول نمی‌کند که در زمین شما و با پیش شرط‌های شما مناظره کند.

شما می‌خواهید ذهن مخاطب را درگیر کنید و او را فریب بدهید. هیچ انسانی حاضر نیست که این چنین با شما مناظره کند.

بارها و بارها حضرت استاد تأکید فرمودند که در فضای مسالمت آمیز و بدون هیچ پیش شرط و پیش داوری ما کاملاً حاضر به مناظره شبکه به شبکه هستیم. همین الآن هم چنین فرصتی برای همه شبکه‌ها فراهم هست.

جناب آقای رضایی پشت خط هستند. آقای رضایی بفرمایید:

بیننده (آقای رضایی از خمینی شهر - شیعه):

سلام علیکم محضر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و جناب آقای مرعشی.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله، بفرمایید.

بیننده

حضرت آیت الله تقریباً هشت شب قبل سؤالی از محضرتان داشتم که وقت برنامه تمام شد و فرصت نشد جوابم را بدهید. بنده در خصوص برنامه امشب دو جواب دارم که ان شاء الله اینقدر در مسیر حقیقت باشد که یک «مرحبا بناصرنا» از طرف شما پاداش بگیریم.

سؤال بنده نسبت به آیه چهلم از سوره مبارکه فتح بود. این آیه می‌فرماید که رسول گرامی اسلام در تورات و انجیل و زبور مطرح بودند. اگر نظر مبارکتان هست، پاسخ بدهید.

در خصوص اینکه ادعا می‌کنند بین اصحاب و خلفا با اهل بیت رسول خدا رابطه‌ای صمیمانه بوده است، من یک سؤال از تمام برادرانی که مدعی این قضیه هستند دارم.

روایات ما می‌فرماید بعد از وفات رسول خدا، بی بی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هفتاد و پنج یا نود و پنج روز در قید حیات بودند یا ادعای شما درست است که معتقدید حضرت صدیقه طاهره شش ماه در قید حیات بودند.

آیا در این ایام که آن بزرگوار بیمار بودند و بنی هاشم و اکثر زنان صحابه به دیدن آن بزرگوار می‌رفتند، روایتی دارید که عایشه یک بار به ملاقات حضرت فاطمه زهرا رفته باشد؟!

بنده سال‌های قبل از حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی می‌شنیدم روزی که حضرت فاطمه زهرا از دنیا رفتند، أم المؤمنین عایشه تمارض کرد و خود را به بیماری زد و در مراسم شهادت حضرت فاطمه زهرا شرکت نکرد.

همچنین در بحث امشب که شیعه را با روایت «ازتد الناس بعد النبي ص إلا ثلاثة نفر» متهم می‌کنند، آیا آیه 253 در سوره مبارکه بقره که می‌فرماید:

(تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ)

بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم، برخی از آنها، خدا با او سخن می‌گفت، و بعضی را درجاتی برتر داد.

(وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ)

و به عیسی بن مریم، نشانه‌های روشن دادیم، و او را با "روح القدس" تأیید نمودیم، (ولی فضیلت و مقام آن پیامبران، مانع اختلاف امتهما نشد). و اگر خدا می‌خواست، کسانی که بعد از آنها بودند، پس از آن همه نشانه‌های روشن که برای آنها آمد، جنگ و ستیز نمی‌کردند، (اما خدا مردم را مجبور نساخته، و آنها را در پیمودن راه سعادت، آزاد گذارده است)،

(وَ لَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ)

ولی این امتهما بودند که با هم اختلاف کردند، بعضی ایمان آوردند و بعضی کافر شدند، (و جنگ و خونریزی بروز کرد. و باز) اگر خدا می‌خواست، با هم پیکار نمی‌کردند، ولی خداوند آنچه را می‌خواهد، (از روی حکمت) انجام می‌دهد (و هیچ کس را به قبول چیزی مجبور نمی‌کند).

سوره بقره (2): آیه 253

این که قرآن کریم می‌فرماید بعضی افراد ایمان می‌آورند و بعضی افراد کفر می‌ورزند، آیا بر همه رسالات پیغمبران بوده است؟! قطعاً بر بعضی از مسائل بوده که آنها کفران می‌ورزند و بر همه مسائل نبوده است.

بنده نمی‌دانم توانستم مطلب و مرادم را برسانم یا خیر. ان شاء الله حضرت آیت الله با آن بیان شیوا تکامل این
مباحث را خودشان بفرمایند. فی امان الله، التماس دعا، خدانگهدار.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلامت باشید، خدا حافظتان باشد.

مجری:

سلامت باشید، خیلی ممنون از تماسستان. جناب آقای رضایی که از خمینی شهر با ما در ارتباط بودید، از تماس
شما تشکر می‌کنم. تماس بعدی آقا سعید از تهران هستند. آقا سعید در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقا سعید از تهران - اهل سنت):

سلام علیکم جناب آقای مرعشی عزیز.

مجری:

سلام علیکم، شما خوبید ان شاء الله.

بیننده:

یا الله مدد.

مجری:

اگر ما این همه بحث کنیم و شما بازهم حرف خود را بزنید...

بیننده:

حضرت استاد سلام علیکم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقا سعید من سؤالی از شما داشته باشم. حضرتعالی معتقد به امامت دوازده امام هستید یا نیستید؟!

بیننده:

مطمئنأ، اما چه امامتی؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آیا معتقد به امامت حضرت ولی عصر هم هستید؟

بیننده:

بله، اما نه آنطور که شما معتقد هستید. بنده امامت منصوص من عند الله را قبول ندارم، اما همه آنها امامان ما هستند و ما به آنها افتخار می‌کنیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، بنده تنها می‌خواستم ببینم که شما معتقد به امامت ولو امامت انتخابی هستید یا خیر؟

بیننده:

بله. در مورد فرمایشات امشب می‌خواستم بگویم که شما فرمودید یک سری از صحابه بغض حضرت علی را داشتند و یک سری روایاتی آوردید.

حضرت استاد من دفعه پیش هم گفتم هر روایتی که مخالف قرآن باشد، قابل استناد نیست. یا ما آن روایت را بد متوجه می‌شویم یا به ما بد رسیده است.

حضرت علی در کتاب «نهج البلاغه» هم در مورد روایت‌ها و انواع و اقسام روایت و کسانی که نقل می‌کنند، بسیار زیبا توضیح داده است. قرآن کریم می‌فرماید:

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)

محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.

سوره فتح (48): آیه 29

وقتی قرآن کریم می‌فرماید یاران و اصحاب پیغمبر اکرم (رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) هستند، ولو اینکه تمام کتاب‌ها بنویسند همگی دشمن حضرت علی بودند من فکر می‌کنم این قرآن است که فصل الخطاب است و ملاک قرار می‌گیرد.

این بهتر از این است که ما بگوییم «ابن تیمیه» چه گفته است یا آقای ایکس چه گفته است و از بیانات آنها چه برداشتی کنیم. علاوه بر اینکه در همان کتاب‌هایی که آنها آوردند، مطالب معارض همین مطالب هم هست حتی در کتب شیعه هم هست.

جنابعالی حتماً قبول دارید که زن ابوبکر در زمانی که حضرت فاطمه زهرا بیمار بودند، پرستار ایشان بود. بنده نمی‌دانم شما این را هم قبول دارید یا این هم محل بحث است؟!

مجری:

آقا سعید این مطلبی که روشن هست و همه می‌دانند و ما تا به حال نشنیدیم را دوباره بفرمایید.

بیننده:

همین مطلب اخیر که ذکر کردید؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آیا مرادتان «اسماء بنت عمیس» همسر ابوبکر است؟

بیننده:

بله.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

«اسماء بنت عمیس» قبل از اینکه همسر ابوبکر باشد، همسر «جعفر طیار» بود. ایشان در حقیقت از محبان اهل بیت بود و بعد از ابوبکر با حضرت امیرالمؤمنین ازدواج کرده است. شما از این مطلب می‌خواهید چه استفاده‌ای کنید؟!

بیننده:

آیا زن ابوبکر بودند یا خیر؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، زن ابوبکر بود.

بیننده:

آیا برای اینکه پرستاری حضرت فاطمه زهرا را کند، باید از همسرش اجازه می‌گرفت یا خیر؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما ضامن آن نیستیم که ایشان از همسرش اجازه گرفتند یا خیر. کتاب «صحیح بخاری» به صراحت می‌نویسد:

«فَعَصِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُؤْفَيْتُ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص 1126، ح 2926

ما این روایات را داریم. این قضیه کاملاً واضح و روشن است که حضرت فاطمه زهرا نسبت به این دو نفر با حالت غضب از دنیا رفتند و غضب حضرت فاطمه زهرا هم غضب خداوند است.

حال اینکه همسر ابوبکر پرستار حضرت فاطمه زهرا بودند یا خیر یا با اجازه او برای پرستاری از حضرت آمدند یا خیر، ضامن آن نیستیم.

مجری:

آقا سعید عزیز نسبت به همین مطلبی که می‌فرمایید، «استاد ابوالقاسمی» مفصل راجع به این مطلب صحبت کردند و این نکته را اشاره فرمودند.

بنده صرفاً به عنوان یادآوری عرض می‌کنم که از کتب اهل سنت نقل کردند که آنها می‌گویند: نمی‌توانیم این را بپذیریم، زیرا اگر بخواهیم بپذیریم طعن بیشتری به خلیفه اول می‌شود.

بیننده:

چه مطلبی را نمی‌توانند بپذیرند؟!

مجری:

چرا این مطلب را اعلام و ابراز نکردند؟!

بیننده:

آقای «ابوالقاسمی» چه مطلبی را به صراحت توضیح دادند؟! من مطلب شما را متوجه نشدم.

مجری:

این که «اسماء» شب آخر در منزل حضرت فاطمه زهرا بودند.

بیننده:

یعنی ایشان نبودند؟ یعنی این قضیه را هم کتمان می‌کنید؟

مجری:

نه، این قضیه را اهل سنت زیر سؤال بردند. من می‌گویم همان عقیده‌ای که شما ادعا می‌کنید مخالف آن هستید، اما تلاش دارید از آن دفاع کنید این هست.

آن‌ها می‌گویند: ما نمی‌توانیم بپذیریم «اسماء» بوده باشد و ابوبکر مطلع نباشد. اگر این را بپذیریم طعن بسیار بدتری به ابوبکر و خلیفه اول وارد می‌شود.

بیننده:

می‌شود بفرمایید چه طعنی می‌شود تا من از شما یاد بگیرم؟

مجری:

یعنی همین که «اسماء» در منزل حضرت فاطمه زهرا بوده و همسرش از وجود او بی‌خبر بوده است. ما نمی‌خواهیم قیاس کنیم، زیرا افراد نیک زیاد هستند.

در قرآن کریم هم ذکر شده افراد نیکی که شوهرانشان انسان بصلاحی نبوده و مثال هم به همین افراد برده شده است. ما نمی‌خواهیم قیاس کنیم و اهل سنت هم بحث را بهتر گرفتند که از اول تمام این قضیه را کتمان کردند.

آن‌ها می‌خواستند قیاسی همانند حضرت آسیه و فرعون به وجود نیاید. آن‌ها این قضیه را فهمیدند و بر این مطلب هم اصراری ندارند. تعجب من از این است که چرا شما بازهم این اصرار را انجام می‌دهید.

بیننده:

جناب آقای مرعشی عزیز شما می‌فرمایید که «اسماء بنت عمیس» پرستار حضرت فاطمه زهرا بودند یا نبودند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما اصرار نداریم که «اسماء بنت عمیس» پرستار حضرت بوده است. ایشان به خانه حضرت امیرالمؤمنین رفت و آمد داشتند. «فضه» پرستار حضرت فاطمه زهرا بودند و شبانه روز در خدمت حضرت بودند.

علاوه بر این حضرت زینب در آن زمان شش یا هفت سال داشتند. دختر شش هفت ساله می‌تواند کاملاً رتق و فتق امور را انجام دهد. حضرت امیرالمؤمنین هم در خانه حضور داشتند. ما دلیلی بر اینکه ادعا کنیم «اسماء بنت عمیس» پرستار حضرت بودند، نداریم.

ایشان به خانه حضرت رفت و آمد داشتند و حتی قضیه وصیت و تابوت را هم مطرح کرده‌اند. در مقابل اینکه ادعا می‌کنید «اسماء بنت عمیس» پرستار حضرت فاطمه زهرا بوده است، نیاز به این دارد که ما روایت صحیحی داشته باشیم.

مجری:

آقا سعید از شما تشکر می‌کنیم. انتظار ما این بود که قوی‌تر از این ظاهر شوید. به سراغ تماس‌های بعدی برویم. آقای نوروزی پشت خط هستند. آقای نوروزی در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای نوروزی از گرگان - شیعه):

سلام علیکم.

مجری:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

خدمت استاد عزیز هم سلام عرض می‌کنم. من به عنوان یک شیعه مرتضی علی اول می‌گویم که لعنت بر ظالمان حق محمد و آل محمد.

خدمت شما عرض کنم من یکشنبه سؤالی پرسیدم مبنی بر اینکه شبهاتی در فضای مجازی مطرح شده است. حاج آقا به یکی از شبهات خیلی خلاصه جواب دادند و به شبهه دیگر هم جواب ندادند.

من سؤالات را مطرح می‌کنم، اگر شد در این جلسه و اگر نشد در جلسه بعد پاسخ بدهید.

شبهه اول این است که اگر امامت امیرالمؤمنین الهی بود، چرا در خطبه 173 «نهج البلاغه» به آن اشاره نشده است.

شبهه دوم این است که مخالفان می‌گویند رسول گرامی اسلام و دوازده امام معصوم نبودند و علم غیب نداشتند. اگر آن بزرگواران علم غیب داشتند، چرا جلوی شهادتشان را نگرفتند؟ اگر ممکن است منابع آن را هم اعلام کنید.

مجری:

آقای نوروزی به دلیل اینکه تماس گرفتید و گفتید که جلسه گذشته به سؤالاتتان پاسخ داده نشد، خدمت شما عرض می‌کنم که استاد یک سلسله بحث مفصل راجع به بحث الهی بودن امامت امیرالمؤمنین مطرح کردند و در خلال آن مبحث روشن شد.

بیننده:

دوشنبه شب هم این قضیه را گفتید و مرا رد کردید، اما بنده رفتم و هیچ چیزی پیدا نکردم. اگر بفرمایید کدام جلسه بود، من ممنونم.

مجری:

شما آرشیو یک ماه پیش و قبل از آن را ملاحظه کنید، به این مطالب دسترسی پیدا می‌کنید.

بیننده:

من آرشیو را نگاه کردم، اما پیدا نکردم.

مجری:

استاد اجمالاً پاسخگو خواهند بود. ما حدود دو ماه راجع به این مبحث صحبت کردیم. بسیار خوب، ان شاء الله حضرت استاد پاسخ خواهند داد.

وقت بسیار محدود است. تا جایی که برسیم پاسخ عزیزان را می‌دهیم. از ابتدا شروع می‌کنیم. جناب آقای ناروئی از ایرانشهر صحبتی راجع به حدیث رد الشمس داشتند.

اشاره اجمالی به حدیث «رد الشمس» در منابع اهل سنت!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقای نارویی در کتاب «معجم الأوسط» اثر «طبرانی» جلد چهارم حدیث 4039 روایتی از قول «جابر» نقل شده است که می‌گوید:

«ان رسول الله امر الشمس فتأخرت ساعة من نهار»

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبرانی، دار النشر: دار الحرمين - القاهرة - 1415، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، ج 4، ص 224، ح 4039

همچنین «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» جلد ششم صفحه 221 همین قضیه را در رابطه با رد الشمس نقل می‌کند و می‌گوید:

«أن النبي أمر الشمس فتأخرت ساعة من نهار»

ایشان در مورد سند روایت می‌نویسد:

«وإسناده حسن»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقيق: محب الدين الخطيب، ج 6، ص 221، ح 2956

همچنین در کتاب «مجمع الزوائد» جلد هشتم صفحه 296 آمده است:

«أن رسول الله أمر الشمس فتأخرت ساعة من نهار»

سپس می‌نویسد:

«رواه الطبرانی فی الأوسط وإسناده حسن»

ایشان در توضیح روایت می‌نویسد:

«وقد صلى النبي العصر فوضع النبي رأسه في حجر علي فنام فلم يحركه حتى غابت الشمس»

پیغمبر اکرم نماز عصر را خواند و سر مقدسش را در دامن امیرالمؤمنین گذاشتند و خوابیدند. علی بن ابی طالب به احترام نبی گرامی اسلام حضرت را تکان نداد تا زمانی که آفتاب غروب کرد.

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - 1407، ج 8، ص 296، باب حبس الشمس له

قطعاً از دیدگاه امیرالمؤمنین احترام به نبی گرامی اسلام از نماز مهم‌تر بود. زمانی که حضرت بیدار شدند، به امیرالمؤمنین فرمودند که چرا نماز نخواندید. حضرت فرمود: سر مقدس شما در زانوی من بود و نتوانستم سرتان را بر زمین بگذارم.

رسول گرامی اسلام دعا کردند و آفتاب برگشت. امیرالمؤمنین نماز خواندند و دومرتبه آفتاب غروب کرد. ایشان در مورد سند روایت می‌نویسد:

«رواه كله الطبرانی بأسانيد ورجال أحدها رجال الصحيح»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - 1407، ج 8، ص 296، باب حبس الشمس له

ما در این زمینه حدود شصت مدرک داریم. ما قبلاً گفتیم اگر به سایت هم مراجعه کنید، در موضوع حدیث رد الشمس مطالب به صورت مفصل آمده است.

مجری:

خیلی تشکر می‌کنیم. جناب آقای حسینی از تهران راجع به همسران پیغمبر اکرم و آیاتی که در سوره مبارکه تحریم نسبت به توصیه به اسلام وارد شده است، پرسیده بودند. حال می‌خواهیم ببینیم آنها چه اشخاصی بودند و آیا مسلمان بودند یا خیر.

مراد از دو همسر پیامبر در آیه 5 سوره تحریم چه کسانی هستند!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با سوره تحریم آقایان مفصل در رابطه با بحث سوره تحریم مطالبی آوردند. بنده تنها عبارتی را از کتاب «صحيح بخاری» نقل کنم. روایت از قول «ابن عباس» نقل شده است که می‌گوید:

«أردت أن أسألَ عُمَرَ عن الْمَرْأَتَيْنِ اللَّتَيْنِ تَظَاهَرَتَا على رسولِ اللَّهِ»

من می‌خواستم از خلیفه دوم در رابطه با این دو زنی که به پیغمبر اکرم نسبت داده شده‌اند، سؤال کنم.

«فَمَكَنتُ سَنَةً فلم أَجِدْ له مَوْضِعًا

من یک سال منتظر بودم و فرصتی پیدا نمی‌کردم.

«فقلت يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ من الْمَرْأَتَانِ اللَّتَانِ تَظَاهَرَتَا قال بن عَبَّاسٍ»

سپس می‌نویسد:

«فما أَتَمَمْتُ كَلَامِي حتى قال عَائِشَةُ وَحَفْصَةُ»

هنوز حرفم تمام نشده بود که گفت: عایشه و حفصه.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 4، ص 1868، ح 4631

این کتاب «صحيح بخارى» است و ما هيچ راهی غير از این نداريم. همچنان که در کتاب «صحيح مسلم» حديث 1479 عين همین عبارت آمده است و می‌نویسد:

«تِلْكَ حَفْصَةُ وَعَائِشَةُ»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 2، ص 1108، ح 1479

ما کاری به مابقی این مسائل نداريم. حال اگر روزی آقا سعيد ادعا کند که من می‌خواهم از آیات الهی بهشتی بودن أمهات المؤمنین را اثبات کنم، نمی‌دانيم با این روایات چکار می‌کنند.

ما دوست داريم دوستانی که روی خط می‌آیند، مستدل و مستند حرف بزنند. عزیزان می‌آیند منطقی سؤال خود را مطرح می‌کنند.

دوست عزیزمان آقای ناروئی به صراحت می‌پرسند که قضیه رد الشمس چه بوده است. ما هم در جواب می‌گوییم این قضیه قبل از اینکه در کتب ما باشد، در کتب خود شما با سند صحيح آمده است.

شما بیايد سؤال خود را مطرح کنید و بگویید که نظر من در این مسئله چنین است، نظر شما چیست. مسألی که شما بیان می‌کنید، کهنه شده و از بین رفته است. اینکه به نام عیسی به شکم موسی حرف بزنید، عقاید شیعیان نیست.

شما بیایید مرد و مردانه بگویید که من شیعه نیستم و حرف‌هایتان را هم بزنید. ما ابایی نداریم و به غیر شیعیان بیشتر از شیعیان وقت می‌دهیم و احترام می‌گذاریم و آنها را مقدم می‌داریم.

اگر سؤالی دارید سؤالتان را مطرح کنید و بگویید که این سؤال من هست. ما به سؤال شما جواب می‌دهیم. حضرتعالی به قول «استاد ابوالقاسمی» به دنبال القاء شبهه هستید و حاجت دارید و نمی‌خواهید حقیقت را بپذیرید. ما در رابطه با آیات الهی:

(إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالِكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)

آن‌هایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید) بندگان همانند خود شما هستند، آن‌ها را بخوانید و اگر راست می‌گوئید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایتان را بر آورند).

سوره اعراف (7): آیه 194

یک حرف می‌زنیم و شما حرفتان را تکرار می‌کنید. ما مطلب را به آخر خط می‌رسانیم، اما شما اول سطر می‌آیید. این روش، روش صحیحی نیست. من توصیه می‌کنم قدری در اخلاق و رفتارتان تجدیدنظر بفرمایید.

مجری:

بسیار خوب، حاج آقا الحمدلله از محضرتان خیلی استفاده کردیم. همچنین تشکر می‌کنم از همه شما عزیزان.

جناب آقای نوروزی! عزیزان پشت صحنه زحمت کشیدند و برنامه «حبل المتین» به تاریخ بیست و هفتم شهریور ماه را استخراج کردند. اگر این برنامه را ببینید، کاملاً پاسخ حضرتعالی در این برنامه گنجانده شده است.

تشکر می‌کنم از همه شما عزیزانی که تا انتهای برنامه «حبل المتین» همراه ما بودید. تا دیدار آینده خدانگهدار

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته